

سرنوشت احادیث

از حیات پیامبر صلی الله علیه وسلم تا خلافت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله

در بین برخی چنین شایع است که احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیش از صد سال بدون اینکه نوشته شود، سینه به سینه در میان مسلمانان نقل شده، تا اینکه زمان عمر بن عبدالعزیز رحمه الله این احادیث به دستور وی بر روی کاغذ مکتوب شده است.

لذا افرادی که منتظر بهانه برای وارد کردن طعن به دومین منبع اصیل اسلام یعنی سنت هستند فرصت را غنیمت شمرده، از این اشتباه غیر علمی سود برده و برای خود داستانها ساخته تا شاید به گمان باطل دلهایی را به بیراهه کشانده و بگویند از کجا معلوم احادیثی که پس از یک قرن بدون نوشتن رها شده ساخته ی فکر جااعلان و دروغگویان نباشد.

زیرا علمای اسلام خود بر این نظر اتفاق دارند که اولین کسی که سنت را تدوین و تصنیف نمود ابن شهاب الزهری است که در سال 124 یا 125 هجری وفات نموده است.

و با این سخن این گمان را به وجود می آورند که اولین کسی که احادیث را نوشته ابن شهاب زهری است.

و در تقویت ادعاهای خود احادیثی را مبنی بر نهی رسول الله صلی الله علیه و سلم از نوشتن حدیث و امتناع اصحاب خصوصاً شیخین (ابوبکر و عمر رضی الله عنهما) از جمع آوری و نوشتن سنت، ذکر می کنند.

در این میان از جمله علمای حدیث که به رد این شبهات واهی پرداخته و اثبات نموده که احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم بدون انقطاع و با امانت داری کامل به ما رسیده، خطیب بغدادی رحمه الله می باشد که در کتاب ارزشمندش "تقیید العلم" به این مسئله می پردازد.

خطیب در این کتاب ابتدا به بررسی احادیثی می پردازد که در آنها از نوشتن حدیث نهی شده و این احادیث را با هم چه صحیح و چه ضعیف ارائه می کند.

ولی این احادیث به جز یک حدیث یعنی حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه "و لا تکتبوا عنی و من کتب عنی غیر القرآن فلیمحه" أخرجه مسلم مرفوعاً.

ترجمه: "از (سخنان) من چیزی را ننویسید و هرکس غیر از قرآن چیزی از (سخنان) من را نوشته آنها را پاک کند."

ما بقی چنانچه دکتر محمد مصطفی الأعمی در کتاب "دراسات فی الحدیث النبوی" به آن می پردازد، دارای ضعف می باشند.

و حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه چنانچه امام بخاری بیان می کند موقوف است یعنی سخن خود ابی سعید است نه قول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

با این وجود اگر ما این احادیث را صحیح بدانیم، از یک طرف بنا به قول ابن قتیبه، رامهرمزی، خطابی و گروهی دیگر از علمای حدیث، احادیث امر به نوشتن که صحیح و صریح می باشند، نسخ احادیث نهی می باشند.

و از طرفی دیگر بنا به قول خطیب بغدادی و خطابی و دیگر علما این نهی، مربوط به عدم نوشتن احادیث در مصحف هایی است که قرآن در آن نوشته می شده تا ناخواسته اختلاطی بین آیات قرآن و احادیث بوجود نیاید.

همچنین گفته شده که نهی برای کسانی بوده که بیم می رفته بر نوشتن تکیه کرده و حفظ را فراموش کنند و رخصت برای کسانی است که از این موضوع در امان باشند.

خطیب بغدادی رحمه الله در ادامه ی کتابش در فصل دوم و سوم روایات و اخباری را از صحابه و تابعین که دال بر کراهت نوشتن است می آورد، که این روایات در واقع حاکی از علت هایی است که سبب می شد اصحاب یا تابعین به خاطر آن نوشته هایشان را از بین برده یا بسوزانند.

و در هیچکدام از اینها نصی بر نهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از نوشتن احادیث به چشم نمی خورد.

خطیب بغدادی رحمه الله فصل سوم از قسمت دوم کتابش را با این جمله آغاز می کند: "ترس از افتادن علم به دست نا اهلان و کسانی که به این خاطر کتابهای خود را قبل از مرگ از بین می بردند"

و اگر ببندیشیم، می بینیم که حقیقت نیز همین است زیرا اگر نهی صریحی از رسول الله صلی الله علیه و سلم در این باره وجود داشت، ابوبکر صدیق رضی الله عنه احادیث را جمع آوری نمی کرد یا عمر بن خطاب رضی الله عنه نیت به جمع آوری سنت نمی نمود.

همچنین خطیب در فصل دوم از همین قسمت، از کسانی نام می برد که در آخر عمر خود از عمل محو احادیث پیشیمان می شدند. از جمله ی آنها " عروه بن زبیر " می باشد که این گونه می گوید: در ابتدا احادیث را می نوشتم، سپس آنها را پاک کردم و الان حاضر ممال و فرزندانم را برای بدست آوردنشان فدا کنم.

در این میان سفیان ثوری رحمه الله که از مخالفین اتکای بر کتابت بود، خود احتیاطا احادیث را می نوشت.

پس با تمام این گفته ها واضح و آشکار است کسانی که از نوشتن احادیث خود داری می کرده یا اینکه بعد مصاحف خود را از بین می بردند بر اساس اجتهاد شخصی بوده و یک مسئله ی عمومی نبوده است.

و تعداد دیگری از صحابه و تابعین همواره وجود داشته اند که احادیث را از طریق نوشتن محافظت می نمودند.

خطیب بغدادی رحمه الله در قسمت سوم کتاب خود احادیثی را از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ذکر می کند که در آنها اذن به نوشتن کاملا مشهود است.

از جمله ی این احادیث صحیح:

1- حدیث ابی هریره : ما من أصحاب النبي أحد أكثر حديثا عنه مني، إلا ما كان من عبد الله بن عمرو، فإنه كان يكتب ولا أكتب.¹

هیچ کدام از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر از من حدیث روایت نکرده به جز عبدالله بن عمرو که او می نوشت ولی من نمی نوشتم.

2- از ابوهریره باز هم روایت است که : **خطب رسول الله صلی الله و علیه و سلم فی فتح مکه... إلى أن قال: " اكتبوا لأبي شاة"²**

از ابوهریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در فتح مکه خطبه خواند... تا جایی که فرمود: برای ابی شاة (سخنان من را) بنویسید.

3- حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص : **كنت أكتب كل شيء أسمع من رسول الله إلى أن قال: فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم : " اكتب فوالذي نفسي بيده ما خرج مني إلا حق "³**

حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه : من هر چیزی را که از رسول الله صلی الله علیه و سلم می شنیدم می نوشتم... تا جایی که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بنویس، قسم به ذاتی که جانم در دست اوست هر چه از دهان من خارج می شود حق است.

1- باب كتابة العلم از کتاب العلم از صحیح امام بخاری

2- مصدر قبلی

3- امام احمد بن حنبل در مسندش (163/2) و الدارمی در سننش باب من رخص فی كتابة العلم (103/1)

سپس خطیب در فصل دوم کتاب خود که آنرا باب "اصحابی که از آنها روایت شده علم را می نوشتند یا به نوشتن آن امر می کردند"، نام گذاری کرده، روایات زیادی را در این باره ذکر می کند که اکثر آنها صحیح هستند.

از جمله ی آنها روایت ابو سعید خدری رضی الله عنه است که فرمود: **ما كنا نكتب شيئا غير القرآن و التّشهاد.** (ما غیر از قرآن و تشهد چیز دیگری را نمی نوشتیم) و ابو سعید کسی است که حدیث لا تکتبوا عنی سوی القرآن و من کتب عنی سوی القرآن فلیمحه را روایت می کند.

خطیب می گوید: او همان کسی است که خیر از نوشتن قرآن و تشهد می دهد و این خود دلیلی است بر اینکه نهی از نوشتن قرآن همانطور که گفته شد به خاطر پرهیز از اختلاط چیزی با کلام الله جل جلاله و عدم مشغولیت به غیر از قرآن بوده است. و زمانی که این خطر برطرف شده و نیاز به نوشتن به وجود آمده، دیگر نوشتن حدیث مکروه نیست، چنانچه صحابه نوشتن تشهد را مکروه نمی دانستند.

و هیچ فرقی بین تشهد و دیگر علوم نیست، زیرا هیچکدام قرآن نمی باشند. و کتابت حدیث توسط صحابه به خاطر احتیاط بوده چنانچه کراهت کتابت نیز به همین دلیل بوده است. خطیب فصل سوم کتابش را به ذکر روایات از تابعین و اجازه و تشویق شاگردانشان نسبت به نوشتن حدیث اختصاص داده است.

اما سبب گسترش کتابت سنت در عصر تابعین و بعد از آن و تکیه کردن بر کتابت را، خطیب رحمه الله اینگونه توضیح می دهد:

مردم نوشتن علم را گسترش دادند و پس از اعتقاد به کراهت به آن روی آوردند، زیرا روایات منتشر و سندهای حدیث طولانی و اسامی رجال و کنیه و نسب هایشان زیاد شد و الفاظ عبارتها، متفاوت گشت در نتیجه سینه ها از حفظ عاجز ماندند و حدیث مکتوب در این زمان قابل اعتماد تر از علم حافظ شد و رسول الله صلی الله علیه و سلم به کسی که حافظه اش ضعیف بود اجازه ی نوشتن را داده بود و عمل صحابه و تابعین و پیروان آنها نیز بیانگر همین مطلب بود.

نمونه هایی از نوشتن سنت توسط صحابه:

- 1- جابر بن سمرة رضی الله عنه بعضی از احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم را نوشت و آنها را بنا به طلب عامر بن سعد بن ابی وقاص برایش فرستاد.⁴
- 2- زید بن أرقم رضی الله عنه بعضی از احادیث نبوی را نوشته و برای انس بن مالک رضی الله عنه ارسال کرد.⁵
- 3- نوشته ی زید بن ثابت رضی الله عنه بنابر درخواست عمر بن خطاب رضی الله عنه در موضوع جد.⁶
- 4- سمرة بن جندب احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و سلم را که نزد خود داشت برای پسرش سلیمان نوشت و فرستاد و امام محمد بن سیرین رحمه الله این نامه را تحسین کرده و می گوید: در نامه سمرة به پسرش علم فراوانی نهفته است.⁷

4- صحیح امام مسلم کتاب الإمامة (10)

5- مسند امام احمد (374-370/4) و تهذیب التهذیب ابن حجر (394/3)

6- سنن دارقطنی (94-93/4)

7- تهذیب التهذیب (237-236/4) ، سنن ابی داود (314/1—315 ح: 456)

5- عبدالله بن ابی اوفی احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم را برای عمر بن عبدالله فرستاد.⁸

تشویق شاگردان به نوشتن احادیث

- 1- انس بن مالک رضی الله عنه فرزندانش را به نوشتن علم تشویق می کرد و می گفت: فرزندانم علم را بوسیله نوشتن نگهداری کنید. و می گفت: ما علم کسی را که نوشته بود علم به حساب نمی آوریم.
- 2- خطیب بغدادی از تعدادی از شاگردان عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت می کند که ابن عباس گفته: علم را با نوشتن محافظت کنید زیرا بهترین محافظ برای علم کتاب است.
- 3- همچنین از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت میکند که گفت: علم را با نوشتن محافظت کنید.
- 4- و از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت شده که گفت: چه کسی با پول علم را از من می خرد؟ ابوخیثمه می گوید: (منظورش این بود که) دفتری را بخرد که علم را در آن بنویسد.

تدوین احادیث در صحیفه ها

در حقیقت صحیفه ها منشأ اصلی تصنیفات جوامع، مسانید و سنن در قرن دوم و سوم هجری می باشند.

حافظ ابن رجب می گوید: آن چه در زمان صحابه رضی الله عنهم نوشته می شد، مرتب و موضوع بندی شده نبود و فقط برای حفظ و مراجعه نوشته می شد. سپس در عصر تابع تابعین این احادیث گردآوری شد. بعضی از اهل علم سخنان رسول الله صلی الله علیه و سلم را گردآوری کرده و گروهی دیگر سخنان صحابه را.

عبدالرزاق می گوید: اولین کسی که نوشته ها را گردآوری کرد ابن جریج بود و اوزاعی زمانی که به نزد یحیی ابن کثیر رفت کتابهایش را تصنیف نمود.

نمونه هایی از صحیفه های نوشته شده در زمان صحابه:

- 1- صحیفه ابوبکر صدیق رضی الله عنه که در آن صدقات واجب نوشته شده بود
- 2- صحیفه ی علی بن ابی طالب
- 3- صحیفه ی عبدالله بن عمرو بن العاص معروف به صحیفه صادق
- 4- صحیفه عبدالله بن ابی اوفی
- 5- صحیفه ابوموسی الأشعری
- 6- صحیفه جابر بن عبدالله

همه ی این صحیفه ها در حیات رسول الله صلی الله علیه و سلم نوشته شدند.

همچنین می توان از صحیفه ی همام معروف به صحیفه ی صحیحة نام برد که احادیثش از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است.

8- کتاب جهاد از صحیح امام بخاری و همچنین صحیح امام مسلم (ج:20)

تلاش تابعین در جمع آوری سنت نورانی:

تابعین رحمهم الله سنت رسول الله و بلکه کل دین را از صحابه دریافت نمودند و ابلاغ این رسالت عظیم را عهده دار شدند.

بهترین نسل بعد از صحابه آنها بودند که زحمات زیادی در خدمت به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کشیدند.

نمونه هایی از تشویق تابعین به نوشتن احادیث:

خطیب بغدادی رحمه الله از حسن بصری روایت می کند که او گفت: هیچ چیز همانند کتاب، علم را محافظت نمی کند، ما علم را می نویسیم تا از آن محافظت کنیم.

و از سعید بن جبیر روایت می کند که گفت: من نزد ابن عباس رضی الله عنه می نوشتم تا اینکه دفترم پر می شد سپس روی دمیایی ام می نوشتم و سپس در کف دستم.

و از صالح بن کیسان روایت می کند که او گفت: من و ابن شهاب زهري با هم علم می آموختیم. به هم گفتیم که سنتها را می نویسیم. پس هر آن چه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده بود را نوشتیم سپس او گفت: آن چه از صحابه به ما رسیده را نیز بنویسیم زیرا سنت است.

گفتم: سنت نیست و من نمی نویسم.

او نوشت و من ننوشتم، او برد و من باختم.

و از ابن شهاب زهري روایت می کند که می گفت: اگر به خاطر احادیث ناپسند و ناشناخته ای که از مشرق می آمدند نبود، نه حدیثی را می نوشتم و نه اجازه به نوشتن می دادم.

و خطیب رحمه الله از معاویه بن قره روایت می کند که گفت: ما علم کسی را که نمی نوشت علم به حساب نمی آوردیم.

نوشتن احادیث در زمان تابعین گسترش فراوانی یافت، چنانچه نوشتن امر لاینفک مجالس و دروس علم شده بود.

در این عصر صحیفه های فراوانی نوشته شد که دکتر مصطفی الأعظمی تعداد بسیاری از آنها را در کتابش "دراسات فی الحدیث النبوی" آورده است.

مثالهایی از این صحیفه ها:

- 1- صحیفه یا صحیفه های سعید بن جبیر شاگرد ابن عباس رضی الله عنه
- 2- صحیفه بشیر بن نهیک که به نقل از ابوهریره رضی الله عنه و دیگران نوشته شده

- 3- صحیفه های مجاهد بن جبر شاگرد ابن عباس رضی الله عنه
- 4- صحیفه ابی الزبیر محمد بن مسلم بن تدرس المکی شاگرد جابر بن عبدالله رضی الله عنه
- 5- صحیفه زید بن ابی انیسہ الرهاوی
- 6- صحیفه ابی قلابه که هنگام وفات آنرا برای ایوب السختیانی وصیت کرد.
- 7- صحیفه ایوب بن ابی تمیمه السختیانی
- 8- صحیفه هشام بن عروه بن الزبیر

اما دوران عمر بن عبدالعزیز رحمه الله تابعی بزرگوار مشهور تر از آن است که نیاز به شرح و بیان داشته باشد.

امام بخاری در صحیحش از عبدالله بن دینار روایت می کند که عمر بن عبدالعزیز رحمه الله برای ابی بکر بن حزم نوشت: هرآن چه از احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم که وجود دارد را بیاب و بنویس زیرا من از نابودی علم و رفتن علما می ترسم. و به جز حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم چیز دیگری را قبول نکن و باید علم آشکار شود و باید مجالسی برپا کنید تا هر کس نمی داند، علم پیدا کند، زیرا علم از بین نمی رود مگر زمانی که پنهانی شود.

از ابن شهاب زهري نیز روایت شده که عمر بن عبدالعزیز به ما دستور داد تا احادیث را جمع آوری کنیم.

و آن را دفتر دفتر می نوشتیم سپس او به تمامی قلمرو حکومت خود دفتری را فرستاد.

بله اینها سندهایی تاریخی و محکم از سرنوشت احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم در قرون اولیه اسلام بود.

حقایقی که برای هر طالب حق هیچ جای شکی را باقی نمی گذارد که احادیث رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم با حفاظت کامل از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

البته من این مطالب را برای پاسخ به منکرین سنت جمع آوری نکردم. بلکه هدیه ای است برای مؤمنانی که با فهم این حقایق بر ایمانشان افزوده شده و اعتقادشان استوارتر می گردد.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . سورة آل عمران 31

بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

گرد آوری: ابو عمر انصاری

برگرفته از: کتاب تدوین السنة النبویة و نشأته و تطوره، تألیف: دکتر محمد بن مطر الزهرانی

و کتاب: تقييد العلم، تألیف: ابوبکر أحمد بن علي بن ثابت الخطيب البغدادي